



شاهکارهای ادبی

سید حسن فاطمی

توضیح

صناعتی است که در اول، وسط یا آخر سطرهای منظوم یا منثور، حروف و کلماتی بیاورند که چون آنها را با یکدیگر جمع کنیم، کلمه یا کلامی دیگر به دست آید. در این صنعت در قالب یک متن چند عبارت وجود دارد. چنانچه اگر حرفهای اول مصراعهای دو بیت زیر در یک جا جمع شود، نام «محمد» درست می شود:

من بر دهنت به موی بستم دل تنگ
حاصل ز لبست نیست بیرون از نیرنگ
من با تو و تو با من مسکین شب و روز
دارم سر آشتی تو داری سر جنگ

۱. عنوان الشرف الوافی، اسماعیل بن ابی بکر مقرئ (م ۸۳۷ق) مکتبه اسامة، دارالروائع، ۱۴۰۷ق.

مؤلف، پنج رساله در پنج علم را در قالب یک متن آورده است. به این صورت که متن اصلی، یعنی سطرهای افقی، فقه است و اگر حروف اول سطرها در ادامه هم خوانده شود، رساله ای پیرامون علم عروض و در صورتی که حروف آخر سطرها در امتداد هم خوانده شود، رساله ای پیرامون علم قافیه خواهد شد. دو ستون نیز در وسط سطرها با خطوط عمودی مشخص شده که یکی پیرامون تاریخ و دیگری پیرامون نحو است.

در مقدمه ای که در آغاز کتاب به قلم عبدالله انصاری نگاشته شده، مؤلف به عنوان مبتکر این فن خوانده شده، اما چنانکه در ادامه بیان خواهیم داشت، سالها قبل از وی، چنین صنعتی در میان فارسی زبانان رواج داشته است.

۲. تذکرة العنوان فی علم النحو والعروض والمیزان، فرج الله بن محمد حویزی (معاصر شیخ حر عاملی)، خطی، کتابخانه آیت الله گلپایگانی، ذریعه، ج ۴، ص ۴۱.

علما و نویسندگان گذشته در تدوین آثار خود از فنون بلاغی بهره فراوان می بردند. لااقل کتابهایشان را با خطبه ای مسجع آغاز می نمودند و گاه علاوه بر سجع، فنون متعددی را مراعات می کردند و مقید بودند نامی مسجع برای کتاب خود انتخاب کنند. لیکن در زمان ما اغلب صناعات ادبی به فراموشی سپرده شده و حتی رعایت سجع در نام اثر - که از مهمترین اجزای کتاب است - رو به فراموشی است.

در اهمیت صناعات ادبی همین بس که این فنون در قرآن کریم، فراوان آمده و پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در سخنانشان از این صناعات استفاده می کردند. چه بسا در قرآن و کلمات معصومین (ع) فنونی به کار رفته که هنوز ادبا و دانشمندان موفق به کشف آنها نشده اند و برخی از آنها، مانند اعجاز عددی قرآن، در سالهای اخیر کشف شده که در علم بلاغت سابقه نداشته و هنوز نامی برای آن نهاده نشده است.

برخی فنون بلاغی، جذابیت فراوانی به کلام می دهد و جاذبه از مقوله هایی است که نباید از نظر دور داشت. شهید مطهری کلامی دارد که بخوبی نمایانگر اهمیت صناعات ادبی است:

یک عامل اساسی (از عوامل ظاهری طبیعی) برای اینکه علی (ع) در دنیا نمرد این بود که علی سخنانی دارد در نهایت زیبایی. «نهج البلاغه» واقعا نهج البلاغه است. دشمن هم دلش می خواهد سخنان علی را ضبط و حفظ کند.^۱

علت محفوظ ماندن بسیاری از آثار گذشتگان - که برخی از آنها در این نوشتار معرفی می شوند - به سبب به کارگیری فنون و صنایع ادبی در تدوین آنهاست.

بر آن شدیم منابعی را که در آنها فنونی به کار رفته که می توان عنوان «شاهکار ادبی» بر آنها نهاد، گردآوری کنیم تا سنت استفاده از صنایع ادبی احیا و الگویی باشد برای آنان که ذوق خلق آثاری از این قبیل دارند و از سوی دیگر سختکوشی و تلاش گذشتگان بیشتر نمایان گردد.

۱. فلسفه اخلاق، شهید مطهری، انتشارات صدرا، چاپ هشتم، ص ۱۰۵.

متن اصلی نحو و دو ستون دیگر درباره منطق و عروض است. وجه تسمیه این کتاب - چنانکه شیخ حر عاملی در امل الأمل می گوید - این است که در مجلسی از کتاب عنوان الشرف الوافی، که از آثار عامه است، سخن به میان آمد و حاضرین از شنیدن ویژگیهای چنین کتابی به شگفت آمدند. لذا شیخ فرج الله قبل از دیدن عنوان الشرف الوافی این کتاب را نگاشت.^۲

۳. المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس الدین محمد بن قیس رازی (قرن هفتم هجری)، تصحیح محمد قزوینی، چاپ سوم، ۱۳۶۰، ص ۳۹۵.

در این صفحه ابیاتی آورده شده که اگر حروف آخر مصرعهای اول و حروف اول مصرعهای دوم و همچنین کلماتی که در وسط جدا گردیده، در ادامه هم خوانده شود، اشعاری فارسی و عربی استخراج می شود.

عبدالله انصاری در مقدمه کتاب عنوان الشرف الوافی، مؤلف آن، اسماعیل مقرئ را به عنوان مبتکر صنعت توشیح معرفی کرده است و برخی دیگر این سخن را پذیرفته اند. لیکن قبل از اسماعیل مقرئ، چنین فنی در زبان فارسی رایج بوده است. هنوز هم در ادبیات عرب نامی بر این صنعت نهاده نشده^۳ و برای معرفی کتابهایی که این فن در آنها به کار رفته، می گویند به شیوه عنوان الشرف الوافی نوشته شده است.

اما کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم که بیش از یک قرن قبل از ولادت اسماعیل مقرئ و به فارسی تدوین شده، تحت عنوان توشیح، علاوه بر توضیح این فن، نمونه هایی از آن را آورده است.

حتی نمونه ای که در صفحه ۳۹۵ ذکر شده، عجیبتر از اثر اسماعیل مقرئ است. زیرا علاوه بر اینکه منظوم است، هر دو زبان فارسی و عربی در آن به کار رفته، لیکن کتاب عنوان الشرف الوافی، نشر و تماماً عربی است.

۴. شرف العنوان لاهل الزمان، فرج الله بن محمد حویزی (معاصر شیخ حر عاملی)، ذریعه، ج ۱۴، ص ۱۸۰.

یک متن حاوی چهار رساله است؛ به این صورت که سطرهای افقی فقه است و نویسنده در سه ستون دیگر پیرامون کلام، آیات الاحکام و احادیث احکام به بحث پرداخته است.

۵. خطبه، جمال الدین محمد شریف کرمانی (۱۳۵۱ق).

در پایان کتاب اسس الاصول، تألیف شریف کرمانی در سال ۱۳۱۹ق به چاپ رسیده است. مؤلف اسس الاصول این خطبه را برای کتابی پیرامون اصول عملیه - که در صدد تألیف آن بوده - نگاشته است.

سطرهای افقی پیرامون اصول است. اما پنج ستون دیگر، در صورتی که حروف آنها عمودی خوانده شود،

۲. امل الأمل، شیخ حر عاملی، تحقیق سید احمد حسینی، دارالکتاب الاسلامی، ج ۲، ص ۲۱۵.

۳. توشیح در ادبیات عرب در معنای دیگر مصطلح است.



صفحه ۳۹۵ از المعجم فی معاییر اشعار العجم

الاسرار ومدركها، ومدمر الاملاك ومهلكها، ومكور
الدهور ومكررها، ومورد الامور ومصدرها.

۱۱. مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب،
قم، انتشارات علامه، ج ۲، ص ۴۸.
خطبه بی نقطه دیگری از حضرت علی (ع) که تنها آغاز آن
باقی است:

الحمد لله اهل الحمد ومأواه، وله اوكد الحمد واحلاه،
واسرع الحمد واسراه، واطهر الحمد واسماه، واکرم
الحمد واولاه....

۱۲. سواطع الالهام، ابو الفیض فیضی، چاپ اول، هند،
لکهنو، ۱۳۰۶ ق. اتمام آن در تاریخ ۱۰۰۲ ق.
این کتاب شامل تفسیر تمام سوره های قرآن می باشد که
حروف نقطه دار در آن به کار گرفته نشده است. آغاز:

احمد المحامد ومحامد الاحامد لله مصعد لوامع العلم
وملهم سواطع الالهام، مرصص اساس الکلم ومؤسس
محکم الکلام، مرسل الکلام سهماً سهماً اصالح
الحصص واکامل السهام، محدر السور کلاماً کلاماً
صالحاً للمصالح والمهمام.

در پایان از صفحه ۷۷۱، خاتمه ای به قلم سید عبدالرزاق،
همچنین از صفحه ۷۷۵ به قلم ابو الحسن مودی محمد نگاشته
شده که بدون نقطه است.
۱۳. اسس الاصول، جمال الدین محمد شریف کرمانی
(۱۳۵۱ ق)، ۱۳۱۹ ق.

مباحث اصولی در این کتاب در ۲۴۷ صفحه آورده شده که
حروف منقوط در آن به کار نرفته است. آغاز:

اول الکلام، اسمه الملك العالم العلام، احمده حمد
حمد، آمدحه مدح مدح، الحمد له علی الحمد له،
والمدح له علی المدح له، حمداً لاحصر له ولاحد،
ولامدک له ولاعد، مدحاً عدد الرمل والحصا، لامدله
ولااحصا.

۱۴. قاعدة حمل الشئ علی الصحيح وتزیهه عن القبیح،
جمال الدین شریف کرمانی (۱۳۵۱ ق) ۱۳۲۰ ق، تاریخ تألیف
در سال ۱۳۲۰ ق. آغاز:

أحلل الکلام، لاداء اسم الله الملك العلام، احمد
محموداً کرم مداد العلماء، علی دماء السعداء، مانوها کل
رھط والهه، مولی الوری والهه، حمداً علا علی السماء،
وملا ملا الاعلی.

۱۵. درر الاعلال، محمد دهکائی، تاریخ تألیف در سال
۱۳۷۲ ق. آغاز:

شامل علم کلام، فقه، منطق، نحو و صرف خواهد شد.

۶. النفحة المسکية والتحفة المکیة، جلال الدین سیوطی،
اتمام در سال ۸۶۹، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۹۶۹ و بغیة
الوعاة، ج ۱، ص ۴۴۴.

این کتاب نیز همانند عنوان الشرف الوافی نگارش یافته،
پیرامون نحو، بدیع، معانی، عروض و تاریخ است.

۷. التحفة السنیة، عبدالله وصاف، تهران، مکتبه الصدر.
این کتاب، عجیبتر از موارد دیگر است؛ زیرا علاوه بر
پرداختن به موضوعات بیشتر، غیر از عربی، زبانهای فارسی و
ترکی نیز در آن به کار رفته است.

نویسنده در یک متن به بیان هفت موضوع پرداخته است. به
این صورت که متن اصلی فقه است و ستونی که از حروف و
کلمات اول سطرها تشکیل شده پیرامون فلسفه، ستون دوم
راجع به منطق، ستون سوم کلام، ستون چهارم نحو، ستون
پنجم داستان فارسی و ستون ششم داستان ترکی است.

۸. شرف العوالی، احمد بن محمد بن طنبل شغری
(۸۸۱ ق)، الاعلام، ج ۱، ص ۲۲۰.

پنج رساله پیرامون پنج علم در قالب یک متن نگاشته است.
۹. در الحیب فی تاریخ اعیان حلب، رضی الدین محمد بن
ابراهیم، دمشق، ۱۹۷۳، ص ۷۸۹.

قصیده ای از عبدالرؤف یعمری مصری (۹۶۲ م) آورده
شده که در آن، صناعت توشیح به کار رفته است.

حذف

حذف صناعتی است در نظم و نثر که یک یا چند حرف در آن
به کار نبرند.

الف- حذف حروف منقوط

۱. القطرة من بحار مناقب النبی والعترة، سید احمد موسوی
مستنبط، نجف، ۱۳۷۸ ق. ج ۲، ص ۱۷۹.

خطبه ای خالی از نقطه از حضرت علی (ع) آورده شده
است. آغاز:

الحمد لله الملك المحمود، المالك الودود، مصور کل
مولود، ومال کل مطرود، ساطح المهاد، وموطن
الاطواد، ومرسل الامطار، ومسهل الاوطار، عالم

۲۰. قصیده بی نقطه قطره اصفهانی در مدح محمود میرزا،
آینه پژوهش، شماره ۲۲، ص ۱۷، به نقل از مجمع الفصحا،
ج ۲، ص ۸۸۸. آغاز:

که رسم عدل در آورد در همه عالم
که کرد در همه عالم رسوم عدل علم
کرم که کرد درم کاسه [کاسه] گاه عطا
عطا که کرد گهر کوه [کوه] گاه کرم

۲۱. مدارج البلاغه در علم بدیع، رضا قلی خان هدایت،
شیراز، کتابفروشی هدایت، چاپ دوم، ص ۱۲۱.

قصیده بی نقطه از شرف الدین فضل الله قزوینی. آغاز:

امام و سرور و صدر ممالک اسلام
صلاح ملک و ملل مالک ملوک کرام
ملک محامد و آدم دم و محمد اسم
علی مراسم و کرار علم و سعد سهام

۲۲. مدارج البلاغه در علم بدیع، رضا قلی خان هدایت،
ص ۱۲۲.

قصیده بی نقطه در مدح حضرت علی بن موسی الرضا (ع).
آغاز:

سرور هر مس دها داور دارا علم
مالک ملک عطا عالم علم کرم
عدل و کرم را مطاع داد و دول را معاد
عالم علم اله حاکم ملک حکم

۲۳. قصیده بی نقطه از وصال شیرازی. آغاز:

مدح سالار امم مدح مراداده قلیل
سر داور اسدالله امام اول
آدم و هود و رسول احمد صالح کردار
ملک مهر همال و ملک ماه محل^۵

۲۴. مدارج البلاغه در علم بدیع، رضا قلی خان هدایت،
ص ۱۲۰.

قصیده بی نقطه از بدرالدین جاجرمی (م ۶۸۶). آغاز:

که کردگار کرم مردوار در عالم
که کرد اساس مکارم ممهد و محکم
عماد عالم عادل سوار ساعد ملک
اساس طارم اسلام و سرور عالم

۲۵. آینه پژوهش، شماره ۲۲، ص ۱۸، به نقل از مخزن
الانشاء (چاپ سنگی)، ص ۱۲۹.

۴. النهرية، محمدباقر خوانساری، اصفهان، ۱۳۳۷ش، مقدمه سید احمد
روضاتی، ص ۱۲.

۵. این قصیده را یکی از فضلا برای اینجانب خواند.

الحمد لله المکور للمصادر الاول، والمسهل لمصادر
العلم والعمل، محوّل الاحوال ومکسرها، مصور العوالم
ومصدرها، مالک ملک السماء وواعدها، ومعلم علم
الاسماء وماسواها، مکمل صور ولد آدم، ومالک ملوم
الدهر والعالم.

۱۶. درر التنظيم فی رسم تحية وتسليم، محمد باقر
خوانساری اصفهانی (م ۱۳۱۳ق) صاحب روضات الجنات.
نویسنده در آغاز این کتاب، خطبه ای بی نقطه آورده است.
آغاز:

الحمد لله الملك المالك المحمود، والواحد الصمد
المصمود، اهل الحمد ومسدد العهود، واصل العدل
ومحدد الحدود، حمداً هو مند الاعوام والاحوال مسلسل
ممدود، وعدد طلال الامطار ورمال الصحور معدود.^۴

۱۷. خطبه حسديه، جمال الدين محمد شريف کرمانی
(م ۱۳۵۱ق).

این خطبه در پایان کتاب اسس الاصول، تألیف شریف
کرمانی در سال ۱۳۱۹ق به چاپ رسیده است. آغاز:

الحمد لله معلم السماء، ومعلم الاسماء، والسلام على
اول طلع طلع، وعلى اسرار العوالم اطلع، وعلى صهرة
محط رحاله، ومحل سرور حاله، وعلى اولاده مادور
السماء، وکرر السماء.

۱۸. القصاید الخمسة الامامية، محمد حسن بن محمدولی
ارومی، ذریعه، ج ۱۷، ص ۸۵. آغاز:

لعمراو دائی لود وسائل
وماحام حول الود الاکامل
وکل الی حل المسائل مائل
اکاس المدام المرطعما معادل

۱۹. قصیده بی نقطه سنجر دیوانه، آینه پژوهش،
شماره ۲۲، صفحه ۱۷. آغاز:

دلا مگرد دگر گرد دهر و درهم و مال
که درهم آمده و مال دهر هر دو ملال
مدمام دام طمع اهل حرص را دارد
ملول در طمع کام هر حرام و حلال

غضبه، و تمت كلمته، و نفذت مشيئته، بلغت قضيتته، حمدته حمد مقرر بر بويته، متنصل من خطيئته، متفرد بتوحيده، مؤمل منه مغفرة تنجيه، يوم يشغل عن فصيلته وبنه.

۳۱. منظومة في آداب الشريعة والحكم المرعية، سيد جعفر بن حسين موسوی خوانساری (م ۱۱۵۸).

این کتاب که در فقه و بعضی مباحث دیگر سروده شده، در ایات آن، حرف الف به کار نرفته است و همراه با کتاب مبانی الاصول، تألیف میرزا محمد هاشم چهارسوقی اصفهانی در سال ۱۳۱۷ ق به چاپ رسیده است. اگرچه در اینجا تنها ۸۹۰ بیت از آن آمده، اما مرحوم شیخ آقا بزرگ در ذریعه ج ۲۳، ص ۵۸ تعداد ایات آن را نزدیک به سه هزار بیت ثبت کرده است.

نسخه خطی این کتاب در کتابخانه آیت الله نجفی تحت عنوان القصيدة الميمية الخالية من الالف دارای حدود ۶۵۰ بیت است. آغاز:

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين اجمعين

تَنشَمْتُ فِي قَصْدِي بِخَيْرِ تَنْشَمٍ
وَبَدَيْتُ مَنْظُومِي بِذِكْرِ مَعْظَمٍ
فَبَسَمَلْتُ فِي قِيدُومِ نَظْمِي وَمَنْطَقِي
تَبَرَّكْتُ مِنْ فُورِي بِخَيْرِ مَقْدَمٍ

مرحوم آیت الله سید محمد حسن خوانساری، برادر بزرگتر مرحوم آیت الله سید احمد خوانساری منظومه جدش را با چند بیت بی الف چنین توصیف کرده است:

حَبِيبِي لَوْلَمْ تَصْطَبِرْ عِنْدَ شِدَّةِ
عَلِيكَ بِخَوْضٍ فِي مَقُولِ كَمَعْنَمِ
وَكُنْ عِنْدَ خَوْضٍ فِي وَصِيفِي بِصِيْرَةِ
بِحَقِّ عَظِيمِ جَدِّ مَكْرَمِ
فَقَدْ جَدَّ جَدِّي فِي خَلْوِ مَقُولِهِ
وَمَنْظُومِهِ مِنْ كُلِّ حَرْفٍ مَقْدَمِ
فَخَلَّدَهُ رَبِّي رِضَى فِي نَعِيمِهِ
وَحَصَّنَهُ مِنْ شَرِّ يَوْمٍ عَرْمَرَمِ

۳۲. منهاج المعارف، سید ابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری، مقدمه از سید احمد روضاتی، ۱۳۵۱ ش. ص ۱۳۹.

منظومه بی الف در مدح حضرت علی (ع) از سید ابوالقاسم

۶. منهاج المعارف، میر سید ابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری، مقدمه از سید احمد روضاتی، ص ۱۴۲.

نامه ای بی نقطه از میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله، متخلص به نشاط، خطاب به ناصرالدین شاه. آغاز:

گرد درگاه داور دارا همال، مهر کرم هلال علم، ملک الملوك عالم، مالک الملک ممالک ساحل ورطه مهالک، واسطه سلک اعوام و دهور، محرک ادوار ماء و حور.

۲۶. دیوان رفعت سمنانی، به کوشش نسوح، چاپ مطبوعاتی نیکپو، ص ۱۱.

خطبه ای بی نقطه از رفعت سمنانی. آغاز:

سر لوح اسرار، و اول هر کار، حامد حمد محمود که عروس کلام گوهر اساس را در حرم اهل دل محرم آورده و مدام علم آدم را در کتوس کرام آدم دور دمام داده هر ماه و هور را مهره مهر او در طاس دل.

۲۷. مقامات حریری، مقامه ۲۸ (سمرقندیة). آغاز:

الحمد لله الممدوح الاسماء، المحمود الالاء، الواسع العطاء، المدعو لحسم الأواء، مالک الامم، و مصور الرمم، و اهل السماح و الکرم، و مهلك عاد و ارم، ادرك كل سر علمه، و وسع كل مصر حلمه.

۲۸. مقامات حریری، مقامه ۴۶ (حلیة). آغاز:

أَعَدَدُ لِحَسَادِكَ السَّلَاحَ
وَأُورِدُ الْأَمَلَ وَرَدَ السَّمَّاحَ
وَصَارُمَ اللَّهْوِ وَوَصَلَ الْمَهَا
وَأَعْمَلَ الْكُومَ وَسَمَرَ الرَّمَّاحَ

۲۹. مجمع البحرين، ناصیف یازجی (م ۱۲۸۷ ق)، مقامه ۱۵ (رملیة). آغاز:

الحمد لله الصمد
حال السرور والكمند
الله لا اله الا
الله مولك الاحد

ب. حذف الف

۳۰. القطرة من بحار مناقب النبي والعترة، سید احمد موسوی مستنبت، نجف، ۱۳۷۸ ق. ج ۲، ص ۱۷۶.

خطبه ای بدون الف از حضرت علی (ع). آغاز:

حمدت من عظمت منته، و سبغت نعمته، و سبقت رحمته

ج- حذف حروف منقوط و الف

۳۷. خطبه اثنی عشریه، جمال الدین محمد شریف کرمانی (م ۱۳۵۱ق).

این خطبه زیبا در پایان کتاب اسس الاصول، تألیف شریف کرمانی، در سال ۱۳۱۹ق به چاپ رسیده و تنها دوازده حرف بی نقطه در آن به کار برده شده است. لذا نویسنده نام خطبه را اثنی عشریه نهاده است. آغاز:

حُمدَه وِرد وِرد وِرد کُل وِردِ مَطهَر، وِمدحه وِرد وِرد وِرد
کُل وِردِ مَطهَر، حِمدَه مُسکِر وِسکِر سِکِر سِکِر مَحمود،
وِمدحه رُوح رُوح رُوح مَمدود، هُو مَمدوح وِحدَه وِحدَه
حِمد کُل لَه کُلَه، وِسم حِمد کُل مَحمود حِمد لَه حِمد لَه.

د- حذف الف و راه

۳۸. مدارج البلاغه در علم بدیع، رضا قلی خان هدایت، صفحه ۱۲۴. آغاز:

قد من شد چو دو زلف نجم دوست نجم
دل من شد چو دو چشم دژم دوست دژم
دل دژم گشتم و قد چفته و زین گونه شود
دیده چون چشم دژم بیند و زلفین نجم

ه- حذف حروف عاقل (بی نقطه)

۳۹. خطبه منقوشیه، جمال الدین شریف کرمانی (م ۱۳۵۱ق).
این خطبه در پایان کتاب اسس الاصول، تألیف شریف کرمانی در سال ۱۳۱۹ق به چاپ رسیده که تنها حروف نقطه دار در آن به کار است. آغاز:

تَشَبَّت بقیقین بنتج نتیجة تَشَقْن، بُت خشیه بُت بُت قن،
ذُنب ذُنب بُت فُحِبَّت، حُذ ذُنب تَقَبَّت فُتَّت، جَنب جَنب
قَبض فیض یَفُق، بَعْض بَعْض شَفیق تُشَفَّق.

۴۰. مقامات حریری، مقامه ۴۶ (حلبیه). آغاز:

فَتَنَسَنسِي فَجَنَّتَنسِي تَجَنِّي
بَتَجَن يَفْتَن غَب تَجَنِّي
شَغَفَتَنسِي بَجَفَن ظِي بِغَضِيض
عَنَج يَفْتَنَسِي تَغِيض جَفَنسِي

۴۱. مجمع البحرين، ناصیف یازجی (م ۱۲۸۷ق)، مقامه ۱۵ (رملیه). آغاز:

بشجی بیست فی شَجَن
فَتَن يَنْتَشِين فَي فَتَن
شَيِّق تَيِّق تَجَنب فَي
نَفَق ضَيِّق بَقِي فَفَنسِي

۷. مقدمه النهريه، ص ۱۳.

ریاضی خوانساری (م ۱۳۸۰ق). آغاز:

نزد حیدر شیر حق یعنی علی
که ولسی گردیده در نص جلی
هم نخستین مرد در گفت فصیح
بعد پیغمبر بو عظش چون مسیح

۳۳. منهاج المعارف، سید ابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری، مقدمه از سید احمد روضاتی، ص ۱۴۲.

منظومه بی الف در رد قائلین به وجوب عینی نماز جمعه از سید محمود بن عبدالعظیم موسوی خوانساری. آغاز:
ببسملة صدرت قولی فنحمد
بحمد يفوق حمد من ظلّ یحمد
نصلی نسلّم خیر رسل ومرسل
وفخر ذوی ترکیب وهو محمد

۳۴. درر النظم فی رسم تحیه و تسلیم، محمد باقر خوانساری اصفهانی (م ۱۳۱۳ق)، صاحب روضات الجنات. نویسنده پس از اتمام خطبه خالی از حروف منقوط، دیباچه ای خالی از الف آورده است. آغاز:

فقد كنت عن قديم دهري، عتيق عمري، منذ ميزت بين
شروخير، وعرفت نفع نفسي من خير، لم يزل يحدثني
فكرتي، ويحرصني ملكتي، ويهيجني في ضميري، يمر
بقلي، ويخيل في روعي.^۷

۳۵. لغت نامه دهخدا، ذیل واژه «حذف»، ایاتی بی الف آورده است. آغاز:

زلفین بر شکسته و قد صنوبری
زیر دو زلف جعدش دو خط عنبری
دو لب عقیق و زیر عقیقش دو رسته در
نرگس دو چشم و زیر دو نرگس کل طری

۳۶. مدارج البلاغه در علم بدیع، رضا قلی خان هدایت، ص ۱۲۳.

قصیده ای بی الف از رشید الدین وطواط. آغاز:
خسرو ملک و ملک بخش کشور گیر
که ز خلقتش بعدل نیست نظیر
قصر مجد و شرف بدوست رفیع
چشم فضل و کرم بدوست قریر

خفیه

صناعتی در نظم و نثر است که یک کلمه معجم و کلمه ای دیگر بی نقطه باشد.

۴۶. مقامات حریری، مقامه ۶ (مراغیه). آغاز:

الکرم نبت الله جيش سعودك بزين، واللوم غصّ الدهر
جفن حبودك يشين، والاورع يثيب، والمُعور يُخيب
والحلالحل يُضيف، والماحل يُخيف، والسمح يُغذي،
والمحك يُقذي.

۴۷. مقامات حریری، مقامه ۴۶ (حلبیه). آغاز:

اسمَح فبث السّماح زين
ولا تُخبّ أملاً تُصَبِّف
ولا تُجزر ردّ ذي سؤال
فئن أم في السؤال خفف

۴۸. مجمع البحرين، ناصيف يازجی، مقامه ۱۵ (رمليه). آغاز:

ظبية ادماء تُفني الأملا
خبيّت كلّ شجيّ سألأ
لا تفني العهد فتشفيني ولا
تنجز الوعد فتشفي العكلا

رقطاع

هرگاه در نظم یا نثر، کلماتی آورده شود که یک حرف منقوط و حرفی دیگری نقطه باشد، به این صناعت رقطاع گویند.

۴۹. مجمع البحرين، ناصيف يازجی، مقامه ۱۵ (رمليه). آغاز:

ونديم بات عندي
ليلة منه غليل
خاف من صنع جميل
قلت لي صبر جميل

۵۰. مقامات حریری، مقامه ۲۶ (رقطاع). آغاز:

اخلاق سيدنا نُحِبُّ، ويعقوته يُلَبِّ، وقربه تُحَفِّ، ونأبه
تَلَفِّ، وخطته نَسَبِّ، وقطيعته نَصَبِّ، وغرُّه دَلِقِّ، وشهبه
تاتلق، وظلُّه زان، وقويم نهجه بان.

تصحيف

آن است که دو لفظ در یک عبارت، که حروف آنها بدون در نظر گرفتن نقطه ها همانند است، اما در نقطه با هم اختلاف دارند.

۵۱. مقامات حریری، مقامه ۴۶ (حلبیه). آغاز:

زينت زينب بقصد يقد
وتلاه ويلاه نهدي يهد

و-عاطل العاطل

به عبارتی اطلاق می شود که در آن علاوه بر حروف معجم، حروفی هم که نام آنها نقطه دارد به کار نرفته است. بنابراین در آن نه تنها از حروف نقطه دار استفاده نشده، بلکه حروف الف، سین، عین، کاف، و میم، نیز به کار نرفته است. زیرا اگرچه خود این حروف، عاطل (بی نقطه) است، اما نام آنها نقطه دارد. ۴۲. مجمع البحرين، ناصيف يازجی، مقامه ۱۵ (رمليه). آغاز:

حول در حلّ ورد
هل له للحرّ ورد
لحضور حلّ وصل
ورده للصحو طرد

انعكاس

صناعتی است در نظم و نثر که می توان جملات را از انتها به ابتدا نیز خواند.

۴۳. خطبه معكوسیه، جمال الدين شريف كرماني (م ۱۳۵۱ق). آغاز:

در پایان کتاب «اسس الاصول» تألیف شریف کرمانی به چاپ رسیده است. آغاز:

سبحان رب حكّم و ملح برنا حُبس، سَكَن ان رمانا وان
امرنا نكس، عقر لمحمود ومحمل رقع، عمل مالک
وفرحا رود دور احرف وکلام لمع، انما شاع وريح رهط
طهر وجر وعاش امنا، اتصح ابدأ وسرأ دبا حصنا.

۴۴. مقامات حریری، مقامه ۱۶ (مغریه). آغاز:

أس ارملا اذا عرا
وأرع اذا المرء أسا
أسند اخانباهة
أبن آخاء دنسأ

۴۵. مجمع البحرين، ناصيف يازجی، مقامه ۲۰ (بصریه). آغاز:

قمر يضرب عمداً مشرق
رئس ماء دمع طرف يرمق
قرطه يقدي جلاه أيمن
من مياها الجيد فيه طرق

ماده تاریخ

۵۵. قصیده معجزیه، میرزا محمد صادق متخلص به ناطق.
تذهیب گنبد حضرت معصومه (س) در سال ۱۲۱۸ پایان
یافت و میرزا محمد صادق این قصیده را در مدح حضرت
معصومه، توصیف گنبد و... سرود که عدد هر مصراع طبق
حروف ابجد ۱۲۱۸ می شود.

این قصیده در اطراف صحن عتیق آستانه حضرت
معصومه (س) با کاشی نوشته شده است. آغاز:

این قبه گلبنی است بزبور برآمده
یا پاک گوهریست پر از زبور آمده
این دوحه ایست کامده از جنت العلا
یا کوکبی است سعد منور آمده^۸

نامه ای است که تمام کلمات آن دارای حرف «سین» و در
عین حال سجع در آن رعایت شده است.

سینه

۵۶. الرسالة السینیة، ابو محمد قاسم بن علی حریری
(م ۵۱۶)، المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۲۶.
در پایان مقامات حریری چاپ شده است.
آغاز:

باسم السميع القدوس استفتح، باسعاة استنجد، سيرة
سیدنا الاسفهلار السید النقیس سید الرؤسا، سیف
السلطین حرست نفسه، واستنارت شمسه، واتسق
انسه، وسبق غرسه.

در پایان مقامات حریری چاپ شده. نامه ای است که تمام کلمات
آن دارای حرف «سین» و سجع نیز در آن مراعات شده است.

شینیه

۵۷. الرسالة الشینیة، ابو محمد قاسم بن علی حریری
(م ۵۱۶)، المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۲۶.
آغاز:

بارشاد المنتی، انشی، شُعفی بالشیخ شمس الشعراء
ریش معاشه، وقشار یاشه، وأشرق شهابه، واعشوشیت
شعابه، یُشاکل شَعفَ المنتشی بالنشوی، والمرتشی
بالرشوی.

جندها جیدها وظرف و طرف
ناعس تاعس بحد یحد

۵۲. خطبه منقوشیه، جمال الدین شریف کرمانی (م ۱۳۵۱ق).
این خطبه در پایان اسس الاصول، تألیف شریف کرمانی در
سال ۱۳۱۹ق، به چاپ رسیده که علاوه بر حذف حروف
بی نقطه، صناعت تصحیف هم در آن به کار رفته است. آغاز:
تَشَبَّثَ بیقین ینتج نتیجة تُثَقِّن، ثَبَّتَ خشيةً یُتَبُّ قُرٌّ،
دُنْبُ دُنْبُ ثُب فُحْبُت، خُدْ دُنْبُ تَقْنِیتُ فُقُنْتُ، جُنْبُ جُنْبُ
قَبْضِ فِیضِ یُفِیقُ، بَعْضُ بَعْضِ شَفِیقِ تُشَقِّقُ.

تشریح

آن صناعتی است در نظم که هر بیت دارای دو قافیه است و بر
هر کدام که توقف گردد معنی کامل است.

۵۳. جواهر البلاغة، احمد هاشمی، بیروت، دار احیاء
التراث العربی، چاپ دوازدهم، صفحه ۴۰۶.
آغاز:

یا خاطب الدنيا الدنية انها
شرك الردی وقرارة الاقدار
دار متی ماضحکت فی یومها
ابکت غداً تبالها من دار
ابیات فوق را به صورت زیر نیز می توان خواند:

یا خاطب الدنيا الدنية
انها شرك الردی
دار متی ماضحکت
فی یومها ابکت غدا

جناس ملمع

صناعتی است در نظم که تمام حروف یک بیت یا یک مصرع،
منقوط و تمام حروف بیت یا مصرع دیگر غیر منقوط باشد.
۵۴. مجمع البحرین، ناصیف یازجی (م ۱۲۸۷ق)،
مقامه ۱۵ (رملیه). آغاز:

أسمرُ كالمرح له عامل
یَغْضِی فِیَغْضِی نَحْبُ شِیقُ
مسك لَمَاهِ عَاطِرِ سَاطِعِ
فِی جَنَّةِ تَشْفِی شِجِ یَشْقُ

۸. متن کامل این قصیده در کتاب تاریخ قم، محمد حسین ناصر الشریعه،
دارالفکر، ص ۸۴-۸۱، آمده است.